

بازخوانی تفکر عالمان و اندیش‌مندان معاصر در گفتمان تقریب و هم‌بستگی امت اسلامی

سیدمحمد عابدی^۱

چکیده

نگرش عالمان و اندیش‌مندان معاصر نسبت به تقریب مذاهب و هم‌بستگی امت اسلامی بر پایه‌ی آموزه‌های دینی و تعالیم وحیانی استوار بوده است. از این ره‌گذر الگوها و مکانیسم‌هایی که در تئوری‌های این اندیش‌مندان به چشم می‌خورد، چشم‌اندازی درخشان را در جهان اسلام ترسیم می‌نماید. بر این اساس نگارنده سعی دارد تا بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و منابع جدید، بازخوانی تفکر عالمان دینی و اندیش‌مندان اسلامی را مورد کاوش قرار داده و بسترهای مناسبی را که در این مسیر فراهم گردیده، روشن نماید. با این حال پرسشی که در این زمینه مطرح می‌گردد آن است که نگرش عالمان دینی و اندیش‌مندان معاصر در گفتمان تقریب و هم‌بستگی امت اسلامی چه بوده و چه راه‌کارهایی در این زمینه ارائه کرده‌اند؟ در پاسخ باید گفت تئوری‌ها و طرح‌هایی که عالمان و اندیش‌مندان اسلامی در این زمینه ارائه نموده‌اند در عرصه‌ی تقریب و هم‌بستگی امت اسلامی تأثیرات عمیقی گذاشته است.

واژه‌های کلیدی

عالمان دینی، اندیش‌مندان اسلامی، گفتمان تقریب مذاهب، هم‌بستگی امت اسلامی

۱. دانش‌پژوه کتری تاریخ معاصر جهان اسلام، جامعه المصطفی العالمیه، Mholaboc34@yahoo.com

مقدمه

بازخوانی تفکر عالمان و اندیش‌مندان اسلامی در گفتمان تقریب و هم‌بستگی امت اسلامی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. به‌ویژه که دشمنان امت اسلامی با رویکردی اسلام‌ستیزانه سعی دارند شکاف‌های عمیقی بین پیروان مذاهب اسلامی ایجاد نمایند تا مسلمانان در تقابل و تعارض علیه هم‌دیگر، فاجعه‌آفرینی نموده و پایه‌ها و ارکان امت اسلامی را به دست خودشان متزلزل نمایند. بنابراین بازکاوی اندیشه‌های عالمان دینی و اندیش‌مندان تأثیرگذار اسلامی در شرایطی امروزی از مهم‌ترین ضروریات زندگی سیاسی و اجتماعی مسلمانان شمرده می‌شود، چرا که چالش‌هایی فراوان از جمله تفرقه‌افکنی و فرقه‌گرایی افراطی، امت اسلامی را تهدید می‌کند.

گفتمان تقریب مذاهب اسلامی و هم‌بستگی امت اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و تعالیم و حیانی استوار بوده (آل‌عمران / ۱۰۳) و می‌تواند از یک‌سو باعث اقتدار و شکوه‌مندی و عزت دینی مسلمانان گردد و از سوی دیگر دسیسه‌های پنهان و پیدا و بسیار ماهرانه‌ی اسلام‌ستیزانی را که در کمین نشسته‌اند، خنثی کند. (میرباقری، ۱۹۹)

امروزه به رسمیت شناختن مذهب شیعه، در کنار سایر مذاهب اسلامی از سوی رئیس‌جامع‌الازهر و در تداوم آن رسمی شدن مذهب شیعه در قانون اساسی جدید افغانستان، از نمونه‌های آشکار این تئوری‌ها است. از این دیدگاه تأثیرگذاری سیدجمال‌الدین در ساختن افکار و باورهای اندیش‌مندان معاصر در مسیر هم‌بستگی امت اسلام، نقطه عطف در تاریخ سیاسی و اجتماعی مسلمانان به حساب می‌آید. سایر اندیش‌مندان معاصر اسلامی نیز تئوری‌های روشنی در این عرصه عرضه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که هرکدام راه را برای گفتمان تقریب، اتحاد و هم‌بستگی امت اسلامی هموار می‌سازد.

۱- گفتمان تقریب مذاهب اسلامی از منظر عالمان دینی

عالمان دینی به عنوان وارثان پیامبر ﷺ و حامیان دین و شریعت در تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام از جایگاهی محوری در جامعه برخوردارند. بر این اساس مسؤولیت‌های سنگین و خطیری هم در پیشگاه حضرت حق تعالی و هم در برابر دین و مردم دارند. از این رو است که همواره در گفتمان تقریب مذاهب اسلامی رهنما و پیشگام بوده و تلاش‌های چشم‌گیری برای نیل به این

مقصود به خرج داده‌اند.

۱-۱- تقریب مذاهب در اندیشه آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله و شیخ محمود شلتوت رحمته‌الله

آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله از پیشگامان و بنیان‌گذاران گفتمان تقریب مذاهب اسلامی است. آیت‌الله بروجردی، از طریق مراودات و نامه‌نگاری‌های‌شان ارتباطی وثیق با رئیس‌الازهر مصر شیخ محمود شلتوت، در جهت تقریب مذاهب، حفظ و احیای دین مبین اسلام برقرار کردند. این اقدام آیت‌الله بروجردی، نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام به حساب می‌آید. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵-۱۳۶)

شیخ محمود شلتوت نیز با فتوای تاریخی خویش در مورد جواز تقلید از مذهب شیعه‌ی امامیه، به‌عنوان یکی از مذاهب پنج‌گانه اسلامی، شکاف‌های مذهبی را که از ناحیه اسلام‌ستیزان و جهان غرب به وجود آمده بود پر ساخته و در واقع مناسب‌ترین راهکار را در مسیر تقریب مذاهب اسلامی عرضه داشت.

رئیس جامع‌الازهر در پاسخ به این سؤال‌ها که آیا فرد مسلمان در تقلید از مذاهب چهارگانه مخیر است؟ نظر شما در مورد مذهب شیعه امامیه و زیدیه چیست و آیا می‌شود از آن تقلید کرد؟ در فتوای معروفش می‌نویسد:

– البته دین اسلام بر پیروان خود واجب نکرده است که از مذهب معین تبعیت نمایند، بلکه اسلام قائل است مسلمان از مذهبی که دارای احکام منقول صحیح و مدون باشد، تقلید نماید و کسی که از مذهبی تقلید می‌کند، حق دارد به دلخواه خود تغییر مذهب دهد و در این مورد هیچ‌گونه اشکالی بر او وارد نیست.

– همانا مذهب جعفری معروف به مذهب شیعه‌ی امامی، مذهبی است که همانند سایر مذاهب اهل سنت پیروی از آن شرعاً جایز می‌باشد.

پس مسلمانان باید آگاهی داشته باشند و از تعصب بی‌مورد نسبت به مذاهب معین دست بردارند؛ زیرا دین خدا و شریعتش تابع هیچ مذهبی نبوده و به هیچ مذهبی هم محدود نمی‌گردد. همه‌ی آن‌ها مجتهدانی هستند مورد قبول خدای تعالی، و هر کس که خود صاحب‌نظر و اجتهاد نباشد

جایز است از مذاهب مذکور تقلید کند و به مقررات فقهی آنان خواه در عبادات و خواه در معاملات عمل نماید. (سعید، ۴۴۴ و ۴۴۵)

در پی همین فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت بود که شیخ محمد شعراوی وزیر اوقاف و امور الازهر در زمان وزارتش با فرستاده‌ی روزنامه الازهر چاپ مصر، به این نکته اشاره دارد که بنیان‌گذار مذهب شیعه، حضرت امام صادق علیه السلام از استادان ابوحنیفه رحمه الله بوده و شیخ شلتوت رئیس الازهر فتوای مشهور خود را درخصوص صحت پیروی از مذهب‌شان صادر کرده است. (همان، ۴۸۴)

۲-۱- تقریب مذاهب در اندیشه امام خمینی رحمه الله

در تداوم گفتمان تقریب مذاهب اسلامی، پس از آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه الله حضرت امام خمینی رحمه الله نیز مسلمانان را از ایجاد تفرقه و شکاف‌های مذهبی بر حذر داشته و هر گونه منازعه و تعارض فرقه‌ای را از دسیسه‌های دشمنان اسلام دانسته‌اند. امام خمینی رحمه الله می‌فرماید:

امروز اختلاف بین ما تنها به نفع آن‌هایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آن‌ها می‌خواهند نه این باشد و نه آن، راه را این‌طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت کنیم. (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۲۱۳)

امام خمینی رحمه الله پیروان مذهب شیعه و سنی را پیرو امت واحده خطاب و براساس تعالیم وحیانی اسلام ایشان را به عنوان برادر قلمداد کرده و هر گونه تفرقه افکنی بین مسلمانان را نوعی جهالت و غریزدگی تعبیر می‌کند. ایشان ملت ایران اعم از شیعه و سنی را مخاطب قرار داده می‌فرماید:

در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر بوده و در حقوق خویش مساوی هستند. (همان، ۲۱۱)

اگر با رویکرد عقلانی و منطق صحیح به مسایل مذهبی نگریسته شود، تنها برخی اختلافات و تفاوت‌های ظریف، در فتوای فقه‌های گذشته وجود داشته و مسلمانان آزادانه با خواست و اراده‌ی

خود از آن فتواها پیروی نموده‌اند. با این نگرش باید اذعان نمود که اختلاف در فتوای فقه‌های گذشته، هیچ‌گاه نمی‌تواند دلیل بر واگرایی و از هم‌پاشیدگی مسلمانان تلقی گردد.

۳-۱- تقریب مذاهب در اندیشه آیت‌الله محسنی

در قسمت قبل گفته شد که عالمان دینی در عرصه‌ی تقریب مذاهب اسلامی گام‌های مفید و مؤثری برداشته و احیاناً شکاف‌های به وجود آمده از سوی تفرقه‌افکنان غربی و فرقه‌گرایان افراطی در میان مذاهب اسلامی را پر ساخته‌اند. از دیگر کسانی که در این راه قدم بر داشته و راه‌کارهایی ارائه کرده‌اند آیت‌الله محسنی، از فقه‌های معظم تشیع در افغانستان است. یکی از راه‌کارهای آیت‌الله محسنی در گفتمان تقریب مذاهب اسلامی، نظریاتی از ایشان است که مبتنی بر رهیافت‌های فقهی است و طبق آن گفتمان تقریب بر اساس احکام اولی و ثانوی ضرورتی است اجتناب ناپذیر. به اعتقاد وی همکاری و گفت‌وگوهای مثبت با تمام مذاهب اسلامی در شرایط امروزی چه به‌عنوان حکم اولی و چه به‌عنوان حکم ثانوی، واجب است. (محسنی، ۱۹)

مسئلاً این نوع نگرش عالمان دینی، نگاه عموم مسلمانان را نسبت به گفتمان تقریب مذاهب اسلامی معطوف ساخته و روحیه‌ی هم‌بستگی بین پیروان مذاهب اسلامی را ارتقا می‌بخشد.

آیت‌الله محسنی با اهتمام ویژه به گفتمان تقریب مذاهب اسلامی در این زمینه کتابی را با عنوان «تقریب مذاهب اسلامی از نظر تا عمل» حاوی مطالب مفید و راه‌گشایی، نگاشته که در آن موانع و چالش‌های تقریب و هم‌چنین راه‌کارهای نیل به آن را بررسی و شناسایی کرده است.

آیت‌الله محسنی در گفتمان تقریب مذاهب اسلامی، همواره سعی ورزیده تنها در حد شعار باقی نماند بلکه در عرصه‌های عملی نیز نمود پیدا کند. او با بدیهی‌انگاشتن مشترکات، در کلیات دین می‌گوید:

در اصول عقاید اسلامی بین شیعه و سنی به‌حمدالله اختلافی وجود ندارد و تنها در چند مورد جزئیات و شاخه‌های عقاید، اختلاف نظر هست. (همان، ۴۲)

وجود همین اشتراکات در اصول و ضروریات دین، بین مذاهب اسلامی، مایه‌ی اتحاد و هم‌دلی پیروان مذاهب شده، ایشان را از هرگونه تشنّت و از هم‌پاشیدگی مصون می‌دارد. اما دشمنان اسلام همواره در پی بسترسازی در جهت نیل به آرمان‌های پست خویش بوده‌اند و از همان

اختلافات اندک بهره برده تا ملت یک پارچه را از درون به چالش کشانیده رویاروی هم قرار دهند تا خود بر جان و مال و مملکت مسلمانان چیره گردند. (موثق، ۶۳)

گفتمان تقریب مذاهب اسلامی در جهان اسلام چشم اندازی درخشان در پی داشته است؛ یکی از اثرات شگرف گفتمان تقریب مذاهب اسلامی را می توان در جامعه ای امروز افغانستان پی گیری کرد. پیروان مذهب شیعه که سالیان سال از فشارهای ناشی از بحران هویت مذهبی رنج برده اند و امروزه دیگر از آن فضای سیاسی محدودیت و سرکوب مذهبی گذشته، رهایی یافته اند و جایگاه مذهب شیعه در نظام سیاسی افغانستان و قانون اساسی کشور تا حدود قابل توجهی در نظر گرفته شده است. (عابدی، ۱۳۹) البته باید اذعان کرد این پدیده پیوند و ارتباطی وثیق با گفتمان تقریب مذاهب اسلامی داشته است. در این زمینه آیت الله محسنی می گوید:

ما در آن شرایط رفتیم و با محبت و منطق صحبت کردیم. مذهب جعفری برای اولین بار در طول تاریخ افغانستان در قانون اساسی راه پیدا کرد. جالب این است که از پانصد نفر نماینده ای که در مجلس برای تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۸۲ حضور پیدا کردند، ۵۰ نفر شیعه و ۴۵۰ نفر سنی بودند. از این ۴۵۰ نفر با آن همه سابقه، یک نفر از برادران اهل سنت با ما، مخالفت نکرد. من قبل از آن می ترسیدم، اما به هر حال مذهب جعفری به رسمیت خود رسید. اگر برخورد با ستیزه و تندی صورت می گرفت، یقیناً این کار ممکن نبود. اگر ده هزار نفر هم کشته می شد، این کار انجام نمی شد، ولی با محبت و صمیمیت به انجام رسید (محسنی، پیشین، ۲۲۸)

علاوه بر عالمان دینی نامبرده از دیگر پیشگامان گفتمان تقریب مذاهب اسلامی، آیت الله سید محمد تقی حکیم، علامه سید محسن امین، آیت الله محمد علی تسخیری و سایر عالمان دینی را باید نام برد که در این پژوهش مجال پرداختن به همه ی آنها نیست. به هر روی گفتمان تقریب مذاهب اسلامی، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی جهان اسلام شناخته شده و فقها و عالمان دینی فریقین فراتر از حد شعار به این گفتمان جامعه ی عمل پوشانیده اند به گونه ای که آثار و پیامدهای آشکار آن در جامعه اسلامی تجلی یافته است.

۲- ضرورت وحدت و هم بستگی امت اسلامی از منظر اندیش مندان معاصر اسلامی

وحدت و هم‌بستگی امت اسلامی از منظر تعلیم و حیانی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. بر بنیان همین آموزه‌های اسلامی است که اندیش‌مندان معاصر جهان اسلام، با درک صحیح از اوضاع و شرایط و با نگاه وپژ به سیاست‌های تفرقه‌افکنانه‌ی غرب و سایر اسلام‌ستیزان، در عرصه‌های سیاسی و بین‌المللی، هم‌چنین با طرح و پی‌ریزی جبهه‌ی اتحاد اسلامی، سعی در پرورش دادن این ایده‌ی قرآنی و تسری دادن آن در تمام زوایای زندگی سیاسی و اجتماعی مسلمانان داشته و مردم را به سوی وحدت و هم‌بستگی امت اسلام فرا خواندند. (کافی، ۹۴)

۱-۲- سیدجمال‌الدین

بدون تردید سیدجمال‌الدین افغانی از منادیان اصلی وحدت و هم‌بستگی امت اسلامی در دوران معاصر شناخته شده است. او با این قصد و انگیزه، حرکت و تحول عظیمی در جهان اسلام ایجاد نمود چنان‌چه در این عرصه کمتر کسی را نظیر وی می‌توان سراغ گرفت. سیدجمال‌الدین با برپایی وحدت و هم‌بستگی امت اسلامی، نهضت فکری و جنبش اصلاحی خویش را بنیان نهاد. سیدجمال با طرح و تدوین الگوی مناسب در جهت هم‌پذیری مسلمانان، تأثیرات شگرفی بر جا گذاشت، به‌گونه‌ای که این نهضت فکری، نسیم تازه‌ای در کالبد نیمه‌جان مسلمانان دمید. (صاحبی، مبانی نهضت احیای فکر دینی، ۳۰۰) از نمونه‌های آشکار این طرح، پرورش دادن و به بار آوردن استعدادهای نهفته‌ای بود که بعد از او، این مسیر را تداوم بخشید. ژاک فره مو تأثیرگذاری نهضت فکری و جنبش اصلاحی سیدجمال‌الدین را در ساحت فکری اندیش‌مندان پس از وی، چنین تبیین می‌نماید:

۱۱۵

جمال‌الدین افغانی دارای فرهنگ عظیم، موجب تأثیرات چشم‌گیری می‌شود... پس از وی زنجیره‌ای از متفکران دارای اندیشه‌ی اصلاح‌طلبی، در این نقش هویتی نمود می‌کنند، که مشهورترین آنان یک مصری به نام عبده، تأثیر شگرفی بر نخبگان عرب می‌گذارد. (فره‌مو، ۱۰۵) در واقع سیدجمال‌الدین تمام تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خویش را در این مسیر متمرکز ساخت. او بود که پرچم اتحاد و هم‌بستگی امت اسلامی را برافراشته و تنها از این ره‌گذر، ایستادگی مسلمانان در برابر استعمار را ممکن می‌دانست. تلاش سید برای وحدت مسلمانان تا پایان عمرش ادامه داشت و گویا دلبستگی و عشق او به این آرمان در سال‌های آخرین شدت و فزونی

یافت. بیش تر گفتارها و نوشتارهایش در این دوران به بیدار کردن وجدان دینی و بر افروختن آتش غیرت مذهبی و ایجاد روح اخوت و برادری اختصاص داشت. (صاحبی، سیدجمال الدین حسینی پرچم دار اتحاد و تقریب، ۱۷۳)

عملکرد سیدجمال الدین در عرصه‌ی اتحاد و هم‌بستگی امت اسلامی تنها در حد شعار متوقف نگشت؛ بلکه به‌طور آشکار، نمود عملی نیز پیدا کرد. دلیل این مدعا را می‌توان سفرهای گسترده‌ی او به کشورهای مختلف و حضور وی در محافل سیاسی و مناظره‌های علمی و فلسفی در حوزه‌های تفکر دینی برشمرد. همین انگیزه‌های والای او سبب شد که حوزه‌ی فعالیت‌های خویش را در یک‌جا محدود نکند بلکه گستره‌ی جهان اسلام را از طریق کوه‌ها، دریاها، کویرها، اقیانوس‌ها و دره‌ها در نوردد و هیچ حدّ و مرزی بین کشورهای اسلامی و اقوام و نژادهای آن نشناسد، بلکه بنا بر معیارهای جهان وطنی اسلامی، هر نقطه‌ی از جهان اسلام را وطن هر مسلمان معرفی می‌کند. گستردگی حوزه‌ی فعالیت‌های او در یکی از فرازهای نامه‌ای که به رئیس دولت عثمانی نگاشته نمایان می‌شود؛

اولاً؛ چون مسلمانان هند... این عاجز می‌خواهم که حباً فی المله راه آن مملکت را پیموده... ثانیاً؛ می‌خواهم بعد از تمام امر هندوستان، روانه دارالایمان افغان شوم و اهالی آن بلاد را که مانند شیر بیشه... و مقاصد روسیه در پیش نه‌م... بعضی از علما را به جانب قوقند و بخارا... و از آن‌جا عطف عنان بجانب ترکمان کنم... به اخذ ثار دعوت و عرق جنسیت ترکیه را حرکت و علم اتحاد اسلامی را بر دوش... و نیز داعیان تیززبان بجانب کاشغر و یارکند روان تا مؤمنان آن دیار را به اتحاد اهل ایمان دعوت کنند. (الحسینی الافغانی، ۱۴۲ و ۱۴۴)

به هر حال سیدجمال الدین با نگاه ویژه به اتحاد و هم‌بستگی امت اسلامی الگوهای مناسبی را تدوین نمود. در این زمینه طرح و الگوهای سیدجمال در راستای هم‌بستگی امت اسلامی چنین تبیین گردیده است: اتحاد مردم هر مملکتی، برای اصلاح نظام سیاسی اجتماعی کشور خویش، لازم بوده است و به‌ویژه پذیرش یک کشور قدرتمند و بزرگ اسلامی به‌عنوان پایگاه مقاومت در برابر بیگانگان برای همه‌ی جوامع اسلامی ضرورت دارد تا بر محور آن علیه استعمار بسیج شوند. چالش مهم دیگر در جهان اسلام مسئله نژادپرستی و قومیت‌گرایی است که به شدت تقبیح

گردیده است. سیدجمال نه تنها قوم‌گرایی را در سخنان خویش محکوم می‌کرد، بلکه در عمل نیز پایبندی خود به جامعه‌ی واحد اسلامی نشان می‌داد به این صورت که خود را گاه ایرانی، زمانی افغانی و زمانی حجازی معرفی می‌کرد. همچنین فرقه‌گرایی‌های تفرقه‌آمیز مسلمانان را عامل از هم پاشیدگی، ضعف و شکست ایشان می‌دانست؛ از این‌رو، پیروان مذاهب اسلامی را به سعه‌ی صدر و تحمل یک دیگر فرا می‌خواند. (پیشین، ۹۴-۹۵) به نظر می‌رسد اگر مسلمانان در تداوم خط مشی این منادی بزرگ، در راستای مسیر وحدت و هم‌بستگی حرکت کنند، در پناه عزت دینی و هویت اسلامی توأم با عزت و سر بلندی فرایند تکاملی خویش را طی خواهند کرد.

۲-۲- محمد عبده

محمد عبده دومین مصلح و احیاگر فکر دینی در جهان معاصر اسلام محسوب می‌شود و این امتیاز را داشت که شاگرد سیدجمال‌الدین بود. افکار وی شدیداً تحت تأثیر افکار سیدجمال قرار گرفته بود تا آن‌جا که خودش می‌گوید:

پدرم به من حیاتی بخشید که علی و محروس [دو برادرش که کشاورز بودند] در آن با من سهیم بودند، و سیدجمال به من حیاتی بخشید که من در آن با محمد و ابراهیم و موسی و عیسی و اولیاء و قدیسان شریکم. (عنایت، ۱۱۸)

این جمله‌ی عبده از یک‌سو نفوذ عمیق سیدجمال‌الدین را در دل‌های افرادی مستعد و متعهد به اسلام مانند عبده می‌رساند که فوق‌العاده در ساختن افکار اندیش‌مندان اسلامی نقش داشته است و ازسوی دیگر آرمان‌های بزرگ عبده را در فرایند تکامل امت اسلامی نمایان می‌سازد. از این رو است که وی سیدجمال را به‌عنوان پدر معنوی خویش قلم‌داد می‌کند.

۱۱۷

با این نگرش مسئله‌ی وحدت و هم‌بستگی امت اسلامی از منظر عبده، یک عنصر جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی مسلمانان به حساب آمده و همواره این پدیده را مورد سفارش و توجه خویش قرار داده است. در این زمینه مرحوم شهید مرتضی مطهری چنین نگاشته است:

عبده مانند سیدجمال در پی وحدت دنیای اسلام بود و با تعصب‌های فرقه‌ای میانه‌ی خوبی نداشت، وقتی که به قول خودش نهج‌البلاغه را کشف کرد، درصدد شرح و نشر آن برآمد، و در تحشیه و پاورقی بر همه‌ی آن کتاب حتی برخطبه‌هایی که علیه خلفا بود، درنگ نکرد. (مطهری،

(۳۸)

علاوه بر سایر ویژگی‌های شخصیتی، دو ویژگی مهم دیگر نیز در وجود عبده برجسته می‌نمود که همواره ذهن انسان را به سوی چهره‌های برجسته دیگر معطوف می‌سازد. یکی در زمینه‌ی وحدت و هم‌بستگی امت اسلامی است که شباهت زیادی به استادش سیدجمال‌الدین دارد و دیگر انس داشتن او با نهج‌البلاغه امام علی علیه السلام است که شباهت زیادی به ابن ابی‌الحدید پیدا می‌کند؛ در واقع ویژگی‌های شخصیتی این دو بزرگ مرد، ابن ابی‌الحدید و سیدجمال‌الدین، در شخصیت محمد عبده تأثیر گذاشته است. از این دیدگاه می‌توان افکار و باورهای عبده را در مورد وحدت و هم‌بستگی امت اسلامی، علاوه بر تأثیر از سیدجمال‌الدین، محصول انس گرفتن او با نهج‌البلاغه دانست.

۳-۲- عبدالرحمن کواکبی

عبدالرحمن کواکبی یکی دیگر از اندیش‌مندان جهان اسلام در دوره‌ی معاصر به حساب می‌آید. هرچند او سیدجمال را مستقیماً درک نکرده، ولی در بسیاری از مسایل متأثر از افکار وی بوده است. او ساخت مشخصی را در جهت ایجاد وحدت و هم‌بستگی امت اسلامی ترسیم کرده است که چارچوب و الگوی تدوین آن را می‌توان، مبانی فکری و سیاسی وی در این فرایند برشمرد. کواکبی در این زمینه رساله‌ی معروفی به نام «ام القرا» نگاشته است. در واقع «ام القرا»، «کنگره‌ای» است فرضی که تئوری‌های کواکبی را پیرامون مسایل جهان اسلام و اهتمام بر ضرورت هم‌بستگی مسلمانان، در یک ساختار مشخص، تحلیل و تبیین می‌کند. این کنگره می‌بایستی در شهر مکه برگزار گردد و نمایندگان تمام کشورهای اسلامی در آن اشتراک ورزند. دبیر کل این کنگره شخصی است به‌نام سیدفراتی [گویا اسم مستعار خود کواکبی بوده است] که مدیریت این نشست را به عهده دارد.

کتاب ام القرا، نوعی داستان اتوپیایی بود که به صورت گزارش مذاکرات و فعالیت‌های یک جمعیت بین‌المللی اسلامی تنظیم شده بود. هدف این جمعیت خیالی هم بررسی دشواری‌های دنیای اسلام و جستجوی راه‌هایی از آن دشواری‌ها بود که جمعیت آن را در وحدت مسلمین قابل تحقق می‌یافت (کواکبی، ۲۰) اصل این کنگره در تئوری کواکبی، جهت ریشه‌یابی علل

ضعف و انحطاط مسلمین و راه‌کارهای آن برگزار می‌گردد. طبعاً نمایندگانی که در این کنگره اشتراک می‌ورزند، با درک صحیح از اوضاع و شرایط جهان اسلام و چالش‌های موجود، طرح‌ها و الگوهای مناسبی ارائه می‌کنند تا معضلات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام حل شوند، یا دست کم تقلیل یابند. بالاخره این کنگره تخیلی برگزار می‌گردد و هر کدام از نمایندگان کشورهای اسلامی به علل ضعف و عقب ماندگی کشور خویش و سایر مسلمانان می‌پردازند. در این کنگره که در ام القرا (مکه) برگزار شده است هر یک از نمایندگان کشورها مسایل جهان اسلام را از زوایای گوناگون بررسی کرده علل ناتوانی مسلمانان را ریشه‌یابی می‌کند مثلاً مسائلی چون اختلاف مسلمانان، فرمان‌روایان کشورهای اسلامی، فقدان آزادی و ضرورت رهبری توسط نمایندگان مختلف به‌عنوان چالش‌های موجود در کشور خویش مطرح می‌شود. با این وصف می‌توان اذعان داشت که دغدغه‌ی کواکبی، سعی در شناسایی نقطه ضعف و چالش‌های موجود در کشورهای اسلامی بوده که به عقیده‌ی وی تنها از طریق هم‌پذیری و هم‌بستگی امت اسلامی، در قالب یک کنگره‌ی بین‌المللی اسلامی حل و فصل می‌شود.

۴-۲- محمد اقبال لاهوری

محمد اقبال لاهوری از معدود اندیش‌مندان معاصر اسلام است که فیلسوف، شاعر، حقوق‌دان و تحصیل‌کرده‌ی غرب است. او از پیشگامان احیای تفکر دینی شمرده شده و در همین راه مباحثی را با عنوان «احیای فکر دینی» در محافل علمی و دانشگاهی مطرح کرده است. اقبال در عرصه‌ی سیاست‌های جهانی و بین‌المللی تئوری‌های گوناگونی عرضه داشته است اما از همه مهم‌تر تئوری‌های او در بعد جهان‌شناختی و مسایل معرفتی اسلام است. الگوهایی که اقبال در جهت سیر تکاملی انسان عرضه می‌دارد، از یک‌سو ویژگی‌های علمی و شخصیتی او را آشکار کرده و از سوی دیگر تعهد و پاسداری وی را در حمایت از دین و شریعت نمایان می‌سازد. نظریه‌های اقبال در مؤلفه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و ادبی دسته‌بندی می‌شود که در آن، مباحثی مانند احیای فکر دینی و شاخصه‌های آن قابل بررسی و بازکاوی است. اقبال از جمله کسانی است که اهتمام ویژه به جایگاه دین و شریعت، در اسلام داشته است. (جاوید، ۵۴۲)

الگوهایی را که اقبال در مسیر هم‌بستگی امت اسلامی ارائه کرده، ناشی از آموزه‌های تعلیم

و حیانی بوده و در این جهت تفکرات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی را در تعارض با مبانی اسلام می‌داند. در یک نگاه کلان، اقبال، جهان اسلام را اسلام وطنی خوانده، مرزهای به وجود آمده را اعتباری و تصنعی توصیف کرده و هم‌گرایی و اتحاد مسلمین را در رأس گفته‌ها و نوشته‌های خویش قرار داده است. (لاهوری، ۱۸۲)

اقبال در عصری می‌زیست که عده‌ای در گوشه و کنار گستره‌ی جهان اسلام، شعارهای ملی‌گرایی سر می‌دادند. اما اقبال به این پدیده با دید منفی نگریسته و شدیداً با آن مخالفت می‌ورزید زیرا ملی‌گرایی را مغایر وحدت و هم‌بستگی امت اسلامی می‌دانست و از داعیان بزرگ اتحاد جهان اسلامی بود. او می‌خواست مسلمانان در عین وفاداری به قلمرو و میهن خویش، برای مسلمانان سراسر جهان عواطف برادرانه داشته باشند و اهداف همه‌ی مسلمانان یک‌نواخت باشد. (مجموعه مقالات همایش علامه اقبال، ۲۲۷)

۵-۲- ابوالعلاء مودودی

ابوالعلاء مودودی نیز یکی دیگر از اندیش‌مندان معاصر اسلامی که در حوزه‌ی تفکر دینی و هم‌بستگی امت اسلامی تأثیرگذار بوده است. برخی اندیش‌مندان معاصر وی مانند سیدقطب از اندیشه‌های او تأثیر پذیرفته‌اند. مودودی به‌عنوان یک روشن‌فکر نوسلفی دغدغه‌ی او اسلامی‌سازی گفتمان سیاسی ملی‌گرایان بود. مودودی معتقد بود که دولت باید تنها به مثابه‌ی تجلی حاکمیت خدا تلقی شود؛ پس مسلمین باید دولت را بر اساس احکام ایدئولوژیک سازمان دهند. (شولتسه، ۱۸۲ و ۱۸۳) در واقع اندیشه‌ی هم‌گرایی مودودی، در اندیشه سیاسی او تجلی یافته است. او یکی از عوامل جدایی مسلمانان از هم‌دیگر را ایجاد مرزهای جدید بین کشورها دانسته و در ارتباط با موجودیت کشورهای جدید اسلامی، در قالب مرزبندی‌های سیاسی و بین‌المللی می‌گوید:

من به‌عنوان یک مسلمان حقیقی دلیلی برای خوش‌حالی ندارم که ترک‌ها در ترکیه، ایرانی‌ها در ایران و افغان‌ها در افغانستان حکومت کنند. من به‌عنوان یک مسلمان اعتقادی به حکومت مردم به وسیله مردم و برای مردم ندارم. به‌جای آن من معتقد به حاکمیت خدا هستم. (همان، ۱۸۳)

بر این اساس راه‌کارهای مودودی و اقبال لاهوری در راستای هم‌بستگی امت اسلامی این بوده

است که جهان اسلام بایستی در چارچوب یک نظام فراملی و فراقومی و بر اساس حکومت دینی اداره شود.

۶-۲- سیدقطب

سیدقطب به‌عنوان یکی از اندیش‌مندان ادیب و مفسر جهان اسلام در قرن بیستم شناخته شده و شدیداً تحت تأثیر افکار ابوالعلا مودودی قرار داشته است. او تئوری‌های خویش را در قالب ادبیات جدید ارائه کرده است. از این رو پیچیدگی در عبارات و اصطلاحات وی سبب شد تا هواداران سیدقطب با برداشت‌های مختلف از افکار و اندیشه‌های وی به گروه‌های‌های التکفیر، الهجره و الجهاد به وجود آیند.

تئوری‌های سیدقطب در راستای هم‌بستگی امت اسلامی در خور توجه است. از جمله تئوری‌های روشن و آشکار او ایجاد یک قطب سوم، ناشی از اتحاد و هم‌بستگی جهان اسلام در برابر دو قطب شرق و غرب بوده و از این طریق اتحاد و هم‌بستگی جهان اسلام را امکان‌پذیر می‌داند: «ما مجبوریم که برای خود پرچم واحدی برگزینیم و در سایه‌ی آن همگام با ملت‌هایی که در زیر سایه‌ی آن هستند، دور هم جمع شویم و هرگز نمی‌توانیم که به‌طور منفرد و جدا از دیگران به سر ببریم یا به اردوگاهی ببیونددیم که وقت آن سپری گشته و در موزه باستان‌شناسی قرن پیش گذاشته شده است.» (سیدقطب، ۸۱)

او تک قطبی شدن جهان اسلام را در برابر ابرقدرت‌های وقت، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌داند و معتقد است که اسلام به ملت‌ها می‌آموزد، تجهیز قوا بر ضد امپریالیسم و استعمار، یک وظیفه و فریضه است و بیرون راندن استعمارگران نیز یک فریضه است و کمونیسم هم مانند استعمار، هم‌چون وبای خطرناکی است و هر دو دشمن‌اند و هر دو تجاوزکار و با هر دو باید جنگید. (همان، ۹۲)

همان‌گونه که اشاره گردید، سیدقطب تنها راه ممکن جهت مقابله و ایستادگی در برابر امپریالیسم جهانی و سایر چالش‌های فراروی جهان اسلام را، ایجاد وحدت و هم‌بستگی بین امت اسلامی زیر پرچم واحد می‌داند.

نتیجه

عالمان و اندیش‌مندان معاصر اسلامی تئوری‌های مختلفی در عرصه‌ی سیاست‌های بین‌المللی به‌ویژه ایستادگی امت اسلامی در برابر اسلام‌ستیزان ارائه نموده‌اند. رسمی شدن مذهب شیعه در جامع‌الازهر در کنار مذاهب اسلامی، از ثمرات گفتمان تقریب و هم‌بستگی امت اسلامی قلم‌داد گردیده به‌گونه‌ای که این اتفاق خجسته تأثیری عمیق در باورهای ذهنی و اعتقادی مسلمانان به‌خصوص رجال سیاسی در افغانستان گذاشت. با این نگرش رسمیت یافتن مذهب شیعه در افغانستان از دیگر ثمرات و دستاوردهای این گفتمان به حساب می‌آید. بیداری امت اسلامی در تاریخ سیاسی کشورهای اسلامی در برابر تهاجم نظامی، سیاسی و فرهنگی غرب و سایر دشمنان اسلام از برکات همان تئوری‌ها و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر عالمان و اندیش‌مندان اسلامی شمرده می‌شود. زیرا تئوری‌های آنان بر پایه‌ی آموزه‌های دینی و تعالیم وحیانی پی‌ریزی شده و هر کدام در ساختارهای جدیدی ناظر بر آموزه‌های دینی و تجربه‌های سیاسی، ترسیم گردیده است، به همین شکل در ثمردهی نتایج قابل توجهی را در بر داشته است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *شیخ محمود ثلثوت طلایه دار تقریب*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۳. تسخیری، محمدعلی، *درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی*، مترجم محمد مقدس، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۴. جاوید، اقبال، *زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری*، ترجمه شهیندخت مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
۵. جمعی از اندیشمندان، *استراتژی تقریب مذاهب اسلامی*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۶. سعید، شیخ حسن، ندای وحدت، مترجم محمود ناطقی، تهران، کتابخانه و مدرسه چهل‌ستون مسجد جامع تهران، ۱۳۶۳ ش.
۷. الحسینی الافغانی، السید جمال‌الدین، نامه‌ها و اسناد سیاسی - تاریخی ۸-۹، اعداد و تقدیم سیدهادی خسرو شاهی، القاهرة، مکتبه الشروق الدولیه، ۲۰۰۲ م.
۸. سیدقطب، ما چه می‌گوییم، ترجمه و تفصیل سیدهادی خسرو شاهی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۹. شولتسه، رانهارد، تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم، ترجمه ابراهیم توفیق، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. صاحبی، محمدجواد، مبانی نهضت احیای فکر دینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. صاحبی، محمدجواد، سیدجمال‌الدین حسینی پرچم‌دار اتحاد و تقریب، تهران، مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. عابدی، سیدمحمد، رسمیت مذهب شیعه در افغانستان زمینه‌ها عوامل و پیامدها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ ش.
۱۳. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰ ش.

۱۴. فره مو، ژاک، روابط فرانسه و جهان اسلام، ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. کافی، مجید، تغییرات اجتماعی در اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. کواکبی، سیدعبدالرحمان، طبایع الاستبداد یا سرشت‌های خود کامگی، ترجمه عبدالحسین میرزا قاجار، نقد و تصحیح محمد جواد صاحبی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۸ ش.
۱۷. لاهوری، محمد اقبال، احیای فکر دینی، ترجمه احمد آرام، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۶ ش.
۱۸. مجموعه مقالات همایش علامه اقبال، تهران، اداره کل هماهنگی‌های فرهنگی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. محسنی، محمد آصف، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۶ ش.
۲۰. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. موثقی، سیداحمد، سیدجمال‌الدین اسدآبادی مصلحی متفکر و سیاست‌مدار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله، وحدت‌ازدیدگاه امام خمینی، بی‌جا، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. میرباقری، سیدمحمد مهدی، جستارهای در مبانی غرب شناسی اسلامی در شناخت غرب، قم، مؤسسه فرهنگی فجر ولایت، ۱۳۸۵ ش.